

دوستی در مسکن

آیا این دوستی‌ها سازنده است یا مخرب؟

آن چه این دوستی را از جاده سلامت خارج می‌سازد و به دامان «وابستگی» می‌اندازد، تکیه بیش از اندازه به یار است

مریم است، خوشش می‌آید. راستش گاهی حتی مرا وادار کرده که در بازار چیزهای جورواجور براش بخرم. تو خانه هم متوجه ارتباط زیاد این‌ها شدم. تقریباً از ساعتی که از مدرسه می‌آید، یا دارد اس‌ام‌اس می‌زند یا به مکالمه‌های طولانی سرگرم است. این ماه حدود ۵۰ هزار تومان پول موبایلش شده. اگر خیالش از مریم راحت باشد و بتواند ببیندش، اوضاع خوب است؛ اما وای به روزی که مشکلی پیش بیاید چون خیلی ناراحت می‌شود. شاید من هم اشتباه کردم چون فکر می‌کردم این دوستی ایرادی ندارد؛ چرا که بالاخره سرش گرم است! ولی انگار زیادی به هم وابسته شدند. در مدرسه از نوع رفتارهای این دو راضی نیستند. می‌گویند بچه‌های دیگر هم متوجه رفتارهای آن‌ها شده‌اند. مریم سال دیگر می‌رود دبیرستان و من از حالا نگران درنا هستم...

دوستی‌های افراطی

قصه درنا قصه دختران و پسران نوجوانی است که به دلایل مختلف درگیر نوعی دوستی افراطی می‌شوند که شاید بتوان به آن «دوستی‌های عاشقانه» نام نهاد. از مشخصه‌های این دوستی‌ها علاقه افراطی به همدیگر است، همراه با رد و بدل کردن نامه‌ها و در دنیای امروزی اس‌ام‌اس‌هایی که گاهی مضمون عاشقانه هم دارد. این رفتار بیشتر در اوایل نوجوانی دیده می‌شود؛ گرایش‌هایی موقتی

از زبان مشاوره مدرسه

ماه گذشته مادر درنا به اصرار مشاور مدرسه به من مراجعه کرد. بسیار مضطرب و نگران به نظر می‌رسید. طرح موضوع برایش مشکل بود و احساس شرم داشت. بالاخره بعد از کمی گفت‌وگوی متعارف، آرام آرام گفت: «درنا سال دوم راهنمایی است، دختر خوبی است، سر به زیر و محبوب است و تقریباً کاری برخلاف خواست خانواده انجام نمی‌دهد. در رابطه با خانواده مهربان و دلسوز است. وضعیت درسی‌اش هم خوب است؛ البته قبلاً خیلی بهتر بود اما الان کمی افت پیدا کرده. با وجود این به سطحی نرسیده که بگویم دخترم ضعیف شده؛ چون خیلی باهوش و با استعداد است. بنابراین اگر کمی وقت بگذارد، حتماً نمره خوبی می‌گیرد و...»

از او پرسیدم: «خب، حالا مشکل چیست؟ چه شده که مدرسه به شما پیشنهاد دیدار با مرا داده؟» سرش را پایین انداخت، انگار نمی‌توانست به من نگاه کند. بعد با صدایی لرزان و آرام گفت: «مشاور مدرسه می‌گوید از سال پیش درنا علاقه‌اش به یکی از دختران مدرسه خیلی زیاد شده و اخیراً شدت پیدا کرده. از او یک سال بزرگ‌تر و کلاس سوم راهنمایی است. راستش توی مدرسه دخترم، بچه‌های پایه‌های مختلف خیلی اجازه ندارند با هم قاطی شوند؛ ولی گویا تا مسئولان مدرسه غافل می‌شوند می‌بینند که این دو تا با همند. من می‌دانم که درنا از این دختر که اسمش

و به ندرت جنسی است. در صورت عدم تحریک نامناسب، با گذراندن دوره اولیة نوجوانی و هویت‌یابی و رشد برطرف شده و جای خود را به داشتن روابط معقول می‌دهد. البته بدیهی است تا زمان رفع موضوع می‌تواند اولیای مدرسه و والدین را به شدت نگران کند. اما ببینیم چه شرایطی نوجوان را به این ورطه می‌کشاند.

معمولاً نوجوانانی که ارتباط گرمی با والدین خصوصاً والد هم‌جنس خود ندارند بیشتر در معرض این آسیب هستند. تنهایی و نداشتن هم‌نشین و هم‌صحبت، گذراندن ساعات متوالی و مفصل در مدرسه و در میان هم‌سالان می‌تواند توجه نوجوان را به شخص خاصی جلب کند. گاهی انتخاب براساس یافتن مطلوب‌های خود در قد و قواره دیگران است. شیفته کسی می‌شود که نشان از ویژگی‌هایی دارد که او آرزوی داشتنش را دارد. او را می‌ستاید، دلبسته و وابسته‌اش می‌شود؛ چون او همانند کسی است که نمی‌تواند باشد یا بشود.

گاه هم‌جنسی را برای ابراز محبت‌های افراطی خود برمی‌گزینند؛ چون یا محروم از ارتباط با جنس مخالف است مثل ممانعت‌هایی که در خانواده وجود دارد یا به علت اتفاقاتی به جنس مخالف اعتماد ندارد مثل نوجوانی که والد خشنی دارد و در معرض آزار و خشونت او قرار گرفته است. البته والدین بی‌تفاوت یا غرق در مشکلات خود به گونه‌ای که فرزند را نادیده می‌گیرند و نسبت به تأمین نیازهای او خصوصاً نیازهای عاطفی‌اش غافلند، دست کمی از سوءاستفاده‌کنندگان ندارند و آن‌ها هم باعث راندن نوجوانشان به وادی عشق‌های مجازی می‌شوند.

گاهی دوستی‌های عاشقانه پاسخی به شرم، روحیه افسرده، ضعف هویت جنسیتی و یا حتی نارضایتی از جنسیت خود است. عزت نفس پایین و احساس شرمساری از انجام رفتارهای وابسته به جنسیت خود، او را به اشتباه به سمت جنس موافق می‌کشاند. اشاره شد که در گرایش‌های به جنس موافق کمتر تمایلات جنسی وجود دارد؛ با این حال بایستی مراقبت کرد تا مورد سوءاستفاده افراد منحرف قرار نگیرد.

ویژگی‌های دوستی

محققان دوستی را یک رابطه صمیمی، شخصی، عاطفی با خصوصیتی از قبیل مهربانی متقابل و تمایل برای نگهداری آن براساس احترام، اعتماد، صداقت و راستی و البته وفاداری و پایداری تعریف کرده‌اند. دوست کسی است که با او احساس امنیت و راحتی کرده، برای حفظش نیازی به تظاهر در کلام و رفتار نیست و هنگامی که دیگران می‌روند در کنار فرد است. در نوجوانی به علت میل به استقلال و فاصله گرفتن از والدین، هم‌چنین به علت رفتارهای آمیخته

به قضاوت والدین، نوجوان به دوست رغبت فراوان دارد. در دوران نوجوانی، کم از فشار گروه هم‌سالان و دفاع و پشتیبانی از دوست گفته نشده است.

آنچه این دوستی را از جاده سلامت خارج می‌سازد و به دامان «وابستگی» می‌اندازد، تکیه بیش از اندازه به یار است. این افراد به طور وحشتناکی ترس از دست دادن دارند و مضطربانه در رابطه‌شان علائم فرو ریختن عشق را جست‌وجو می‌کنند. لذا مدام نیاز به چک کردن و مطمئن شدن از آن احساس می‌شود. بنابراین سعی در کنترل محبوب دارد و مایل است او را برای همیشه و تا ابد نگه دارد. در وابستگی، فرد ارزش خود را در عشق دیگری می‌فهمد؛ اگر مورد علاقه کسی باشد برای او این معنا را دارد که با ارزش است. قسمت خالی وجودش را با او پر می‌کند. برای همین نمی‌تواند بدون او زندگی کند. در واقع به خاطر ارزشی که دریافت می‌دارد با محبوب خود می‌ماند؛ نه این‌که او را خیلی دوست می‌دارد بلکه این رابطه را می‌خواهد؛ به خاطر این‌که دوست داشته می‌شود. اگر محبت می‌کند، انتظار برگشت و جبران آن را دارد و محبوبش بایستی مشکلاتش را حل کند. خلاصه کلام تا با اوست، احساس ارزش می‌کند و بدون او هیچ است!

در عشق و محبت سالم بدون وابستگی، رابطه براساس احترام متقابل است. همدیگر را آزادانه دوست دارند بدون انتظار جبران. عشق را هم‌چون هدیه‌ای می‌بخشند و می‌پذیرند. همدیگر را همان‌گونه که هستند می‌پذیرند. راحت و مستقل و متین‌اند و رابطه‌ای بدون دستکاری دارند. ارزش و احترام از درون است و عشق از عزت نفس می‌تراود. مواظب احساس خود هستند. لذا در صورت ضرورت می‌توانند از هم جدا شوند. چون هم به خود و هم به طرف مقابل اعتماد دارند. همدیگر را رشد می‌دهند و رابطه را واقع‌بینانه ارزش‌گذاری می‌کنند.

معلمان و دوستی

گاهی هم این علاقه افراطی متوجه معلم خاصی می‌شود و دانش‌آموز به بهانه‌های مختلف سعی به گذراندن وقت با معلمش دارد؛ برای او هدایای گوناگون تهیه می‌کند و به مناسبت‌هایی متن‌هایی را برایش می‌نویسد. وای به روزی که معلم راه دهد و او بتواند با معلمش خارج از حد متعارف درد دل کند. منظور از حد متعارف چیست؟ گاه معلم یا مشاور با نیت خیر کمک یا اصلاح شرایط، حد ارتباط خود را از حیطة مدرسه فراتر می‌برد و با در دسترس قرار دادن شماره موبایل خود، یا تماس تلفنی به منزل دانش‌آموز و حتی فرصت ایجاد دیدار در خارج از مدرسه و خارج از ساعات رسمی مدرسه، زمینه را برای وابستگی بیشتر مهیا می‌کند. گاهی معلمی که با رفتارهای شبیه به آن چه که

ذکر شد سعی می‌کند خود را دوست دانش‌آموز بداند نه معلم او، می‌تواند خود گرفتار کمبودهای عاطفی باشد. مثلاً فردی باشد که نیاز به ستوده شدن یا محبوب شدن دارد. ذکر این نکته لازم است که یک معلم همیشه معلم است؛ گاهی می‌تواند رفتارهای دوستانه داشته باشد اما هیچ‌گاه دوست دانش‌آموزانش با تعریفی که برای دوست هست، نمی‌تواند باشد. همواره بایستی حد و حریم ارتباط معلمی و شاگردی حفظ شود. البته در بسیاری از موارد معلم نمی‌داند عشق کاذب دانش‌آموزش شده و او نقشی در ایجاد این حس نداشته است.

خوشبختانه تعداد این اتفاقات در مدارس بسیار کم است؛ اما اگر اتفاق بیفتد، تأثیر زیادی دارد. از این رو قابل تأمل است و باید دید که در این صورت چه می‌شود کرد؟
✓ به طور کلی وقتی در مدرسه اتفاقی می‌افتد، خوب است اولیای مدرسه راه سکوت و گذشتن از آن را در پیش نگیرند بلکه این اتفاق را فرصتی مغتنم بدانند تا با بازنگری و تأمل بر حوادث، مسائل مدرسه را واریسی کنند و در صورت یافتن عوامل در برطرف کردن آن‌ها بکوشند.

✓ توصیه دیگر پیش‌گیری است؛ پیش‌گیری این موضوع، عادی‌سازی ارتباط و روابط بین پایه‌های مختلف مدرسه است. گذاشتن هرگونه مانع و محدودیت و اعمال قوانین و تنبیهات انضباطی برای ایجاد رابطه خود منشأ تحریک، کنجکاو و ماجراجویی نوجوانان می‌شود. برعکس

اگر مدرسه بتواند در فعالیتهای فوق‌برنامه یا کارهای گروهی اجازه ادغام بدون در نظر گرفتن پایه را دهد، در واقع فرصت عادی جلوه دادن ارتباط با گروه‌های سنی را می‌دهد. عضویت در تیم‌های ورزشی، علمی و مهارتی مدرسه و شرکت در رقابت‌های برون مدرسه‌ای از نمونه‌های خوب تعامل دانش‌آموزان یک مدرسه با یکدیگر است.

✓ برتری دادن و ارشاد خواندن پایه‌های بالاتر بر پایه‌های پایین‌تر و سپردن امر آن‌ها به پایه‌های بالاتر بایستی با حفظ عزت نفس و فضای برابری احترام برای همه پایه‌ها صورت گیرد. استنباطی که بعضی نوجوانان از ارشاد و پایه‌های بالاتر می‌کنند، بزرگی و سلطه بر دیگران است. موقعیتی که برای عده‌ای می‌تواند وسوسه‌انگیز و جالب باشد. همان عاملی که یک پسر نوجوان را برای نمایش بزرگ شدنش وادار به سیگار کشیدن می‌کند تا بگوید مرد شده است! یا یک دختر نوجوان را تشویق به ارتباط با پسران می‌کند تا بگوید جاذبه‌های یک زن را دارد به حدی که مردها می‌توانند عاشقش بشوند!

✓ اگر مدارس با چنین مواردی روبه‌رو شدند، ابتدا باید با تذکر و برخورد‌های انضباطی آن را کنترل کنند؛ چنانچه برطرف نشد، بایستی خانواده دو فرد مبتلا را با اطلاع سازند و از روان‌شناس بالینی برای بررسی بیشتر کمک بگیرند.

✓ از درز موضوع در میان معلمان و دیگر دانش‌آموزان جلوگیری شود؛ هم به دلیل احترام دو دانش‌آموز و ادامه تحصیل آن دو در مدرسه و هم برای بهداشت روانی دیگر

محصلانی که اصلاً با این موضوع آشنایی ندارند و ضرورتی هم ندارد که آشنا شوند.

✓ در صورت بروز مسئله در میان محصلان و حساس شدن آن‌ها، بهتر است با حضور مشاور امین و آشنا به موضوع در طی چند جلسه در فضایی امن دانش‌آموزان از برداشت‌ها و احساسات خود در مورد موضوع صحبت کنند و با راهنمایی‌های حرفه‌ای بتوانند از تنشی که برایشان ایجاد شده خلاص شوند.



یک معلم همیشه معلم است؛ گاهی می‌تواند رفتارهای دوستانه داشته باشد اما هیچ‌گاه دوست دانش‌آموزانش با تعریفی که برای دوست هست، نمی‌تواند باشد